

| یادداشت

عبور از بحران اقتصادی موجود در بخش خصوصی



اکنون که اقتصاد در شرایط «بحرانی» به سر می‌برد، معتقدم که دولت خود باید وارد گود شود و روند خصوصی‌سازی را شتاب دهد. متأسفانه قوانین بسیار دست‌وپاگیری در حوزه واگذاری‌ها وجود دارد که لازم است تا حدی تسهیل شود و واگذاری‌ها با دل و جرات بیشتر؛ اما به شکل شفاف صورت گیرد.



رضا پدیدار

رئیس انجمن مشاوران سرمایه‌گذاری و تأییدریس
کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق تهران

/// واقعاً در چه وضعیتی به سر می‌بریم؟ روند شرایط اقتصادی با وجود تمام تلاش‌های دولت در وضعیت بحرانی قرار دارد. رکود صنایع و تولیدات داخلی، کاهش روند پروژه‌های عمرانی به دلیل کاهش منابع دولت و وضعیت نامناسب معیشتی زندگی مردم، همه مؤید آن است. همواره راهکارهای مختلفی در جهت بهتر شدن شرایط، پیشنهاد و بعضاً اعمال شده، اما کمتر تغییری در شرایط ایجاد شده است. در این موقعیت و در روند چنین فرایندی برخی کارشناسان معتقدند که بخش خصوصی باید به عمل‌گرایی دست بزند و شرایط بهبود را ایجاد کند؛ اما تضعیف بخش بزرگی از بخش خصوصی به دلیل رکودهای پی‌درپی از یک‌سو و قرار داشتن بخش بزرگی از اقتصاد در دستان دولت و شبه‌دولتی‌های متعدد (خصولتی) این مقوله را پیشنهادی ناکارآمد جلوه می‌دهد. بنابراین، گویی تنها راهکار باقی‌مانده آن است که دولت در پیاده‌سازی قانون اصل ۴۴ جدیت به خرج دهد و هم بدنه خود را کوچک کند و هم بخشی خصوصی بدون پشتوانه را تقویت کند تا از این منظر بتواند در سال‌های پیش رو وضعیت مناسب‌تری را در حوزه اقتصاد رقم بزند. متأسفانه قانون خصوصی‌سازی با گذشت نزدیک به دو دهه هنوز مغفول مانده و با وجود آنکه همه از جمله دولت راه خروج از بحران را عملیاتی کردن این قانون می‌دانند، اما متأسفانه هر روز این روند کمتر با موفقیت پیش رفته است؛ اتفاقی که بخشی در ارتباط با قوانین (به گفته بخش خصوصی) دست‌وپاگیر و بخشی به نگرانی دولت از ورشکست شدن همین صنایع کم‌وییش فعال باز می‌گردد؛ بنابراین دولت باید یک سیاست عمل‌گرا در جهت عملیاتی کردن این امر تدوین کند تا شاید بتوان امید داشت که از پیچ بحران اقتصادی بگذریم.

در این رهگذر و متأسفانه اکنون شاهد آن هستیم که بخش خصوصی ما به‌شدت ضعیف شده است و این امر بر اساس آخرین گزارش متقن مرکز پژوهش‌های اتاق

بازرگانی ایران، ناشی از آن است که نزدیک به ۹۰ درصد اقتصاد ایران دولتی است. لذا بر پایه این آمار خطرناک و تخریب‌کننده، تعداد محدود افراد فعال در بخش خصوصی در این شرایط اگر بخواهند نقشی نیز در تحولات اقتصادی داشته باشند، نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. لذا یکی از راه‌هایی که بخش خصوصی می‌تواند در اقتصاد اثر بگذارد، فرستادن نماینده یا نمایندگانی به مجلس شورای اسلامی است. نمایندگانی آگاه و عمل‌گرا و نه نمایندگانی که تئوریک به اقتصاد فکر می‌کنند. نمایندگانی که در کف بازار بوده‌اند و مشکلات اقتصادی را در عمل می‌شناسند. وجود چنین نماینده‌هایی کمک می‌کند تا قوانین در مجلس از نظر گذرانده شوند که این امر عملاً اقتصاد را شفاف می‌کند؛ چرا که بدون حضور در مجلس، اگر بخش خصوصی بخواهد در کنار دولت حضور پیدا کند، عملاً حضوری ناکارآمد است، زیرا در حوزه اتاق بازرگانی همواره این مسئله وجود داشته و عملاً کاری از پیش برده نشده است، اما بد نیست یادآوری شود، اینکه چرا تاکنون بخش خصوصی به مجلس وارد نشده، ناشی از واهمه‌ای است که در میان آن‌ها وجود دارد. متأسفانه افرادی در ساختار اقتصاد کشور وجود دارند که سو استفاده‌های مختلف رانتی در این حوزه می‌کنند و اگر منافع خود را در خطر ببینند، بخش خصوصی را در ساختار مجلس تحت فشار می‌گذارند و با استفاده از مثلاً انگ‌های مالیاتی می‌توانند فرد یا گروهی را مورد حمله قرار دهند. ناگفته نماند و البته همیشه افراد مفسد وجود دارند و در بخش خصوصی نیز این افراد هستند و در هر دولتی راهکاری برای پیشبرد اهداف خود پیدا می‌کنند و همان‌ها هستند که به اقتصاد ضربه‌های سنگین می‌زنند. البته هدف ما چنین افرادی نیست. افرادی باید وارد مجلس شوند که عملکرد شفافی دارند و دلسوز کشور هستند، اما همین‌ها نیز نگران حضور هستند. هر چند تا انتخابات دوره بعدی مجلس زمان



زیادی است و اینکه این اتفاق عملیاتی شود نیز جای بحث دارد. بنابراین اکنون که اقتصاد در شرایط «بحرانی» به سر می‌برد، معتقدم که دولت باید وارد گود شود و روند خصوصی‌سازی را شتاب دهد. متأسفانه قوانین بسیار دست‌وپا گیری در حوزه واگذاری‌ها وجود دارد که لازم است تا حدی تسهیل شود و واگذاری‌ها با دل و جرات بیشتر؛ اما به شکل شفاف صورت گیرد. از سویی قیمت‌هایی که برای واگذاری‌ها اعمال می‌شود، قیمت‌های بسیار بالایی

است که سبب می‌شود بخش خصوصی کمتر به گرفتن این کارخانه‌ها تمایل داشته باشد. دولت با تعدیل قیمت‌ها و یک‌روند واگذاری معقول می‌تواند روند کوچک‌سازی خود را تسریع کند. فردی که دغدغه ملی داشته باشد در روند این واگذاری‌ها بی‌شک چنان طرح‌های توسعه‌ای پیاده خواهد کرد که نیروی کار موجود را حفظ می‌کند و با ایجاد خطوط جدید تولیدی صادرات محور، در روند اقتصادی نیز مؤثر عمل می‌کند. هر چند برخی هم هستند که

تسلطی بر بازار مورد واگذاری ندارند و برای وجهه آن کار کارخانه‌ای را خریداری می‌کنند، اما نمی‌توانند آن را توسعه دهند و هم خود و هم دولت را متضرر می‌کنند؛ بنابراین دولت با تسهیل شرایط باید تمرکزش را بر انتخاب افرادی بگذارد که نسبت به عملکرد آن‌ها اطمینان دارد. اگر چنین شرایطی اعمال شود می‌توانیم در کوتاه‌مدت به گذر از بحران اقتصادی فکر کنیم، در غیر این صورت بخش خصوصی و دولت در کوتاه‌مدت و بویژه در شرایط بحرانی فعلی نمی‌توانند چیزی را

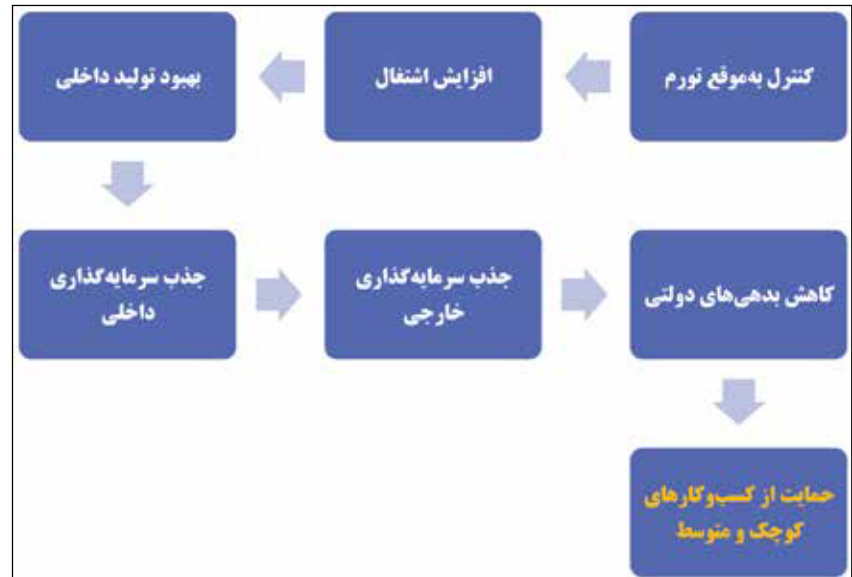


نمودار شماره (۱) شرایط حساس اقتصاد ایران



مالی در ایالات متحده پس از بحران ۲۰۰۸ یا سیاست ریاضتی در برخی از کشورهای اروپایی بوده است. در این صورت نجات اقتصادی برای حفظ ثبات کشور و بهبود شرایط معیشتی مردم ضروری است. اگر یک کشور نتواند بحران‌های اقتصادی خود را مدیریت کند، مشکلات مالی به سایر بخش‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی سرایت خواهد کرد؛ چرا که ادامه وضعیت بحرانی می‌تواند منجر به افزایش تورم، بیکاری، کاهش ارزش پول ملی و نارضایتی اجتماعی شود که آینده اقتصادی کشور را به خطر می‌اندازد. در این صورت نجات اقتصادی برای حفظ ثبات کشور و بهبود شرایط معیشتی مردم ضروری است. **عواقب عدم خروج از بحران‌های اقتصادی به‌طور خلاصه عبارتند از:**

- ۱- افزایش بی‌رویه تورم و کاهش قدرت خرید مردم،
 - ۲- رشد بیکاری و تعطیلی جدی کسب‌وکارها در تمام ابعاد،
 - ۳- کاهش شدید ارزش پولی ملی که به‌صورت لحظه‌ای با آن روبرو هستیم،
 - ۴- افزایش فاصله طبقاتی و شکاف جدی و تشدید نارضایتی،
 - ۵- کاهش رشد و توسعه اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و افت شاخص‌های اقتصادی در کشور.
- در این صورت و بدون اجرای اصلاحات اقتصادی، کشور کماکان در مسیر بحران‌های عمیق‌تری قرار خواهد گرفت که تأثیرات آن ممکن است سال‌های سال ادامه داشته باشد. برخی از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده بحران‌های اقتصادی در تبیین و تحلیل آنچه از نظر گذشت و به‌طور خلاصه آنچه بر بخش خصوصی ناتوان کشور تحمیل گشت به



تورم شدید، بیکاری گسترده، کاهش تولید و وابستگی به منابع خارجی مواجه باشد. به این ترتیب باید از نمودار شماره (۲) با درایت و هوشمندی عبور کرد. در این صورت و با درایت جمعی فعالان اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی اعم از دولتی و یا بخش خصوصی، می‌توان به نجات اقتصادی متمرکز شد و سیاست‌های نمودار شماره (۳) را دنبال نمود. این فرایند می‌تواند با کمک دولت از طریق اصلاحات مالی، بسته‌های حمایتی، کاهش مالیات‌ها یا حتی با مشارکت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی انجام شود. کشورهای مختلف در طول تاریخ با بحران‌های اقتصادی روبه‌رو شده‌اند و برای عبور از آن استراتژی‌های مختلفی را اجرا کرده‌اند. در این راستا نمونه‌هایی از نجات اقتصادی در کشورهای دیگر شامل برنامه‌های احیای

از پیش ببرند. همچنین به‌خوبی می‌دانیم که اقتصاد ایران در شرایط حساسی قرار دارد که نمودار آن (نمودار شماره ۱) برای همه ما تکان‌دهنده و ناگوار است. ازاین‌رو ضرورت دارد به بررسی راهکارهای اساسی برای احیای اقتصاد ایران پرداخته و در این رهگذر به موضوع مهم نجات اقتصادی بپردازیم. **نجات اقتصادی (Economic Rescue)** به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاستی و اجرایی می‌تواند با مجموعه‌ای از اقدامات، سیاست‌ها و اصلاحات اقتصادی با هدف اصلی خروج کشور از بحران و بهره‌گیری از توان سیاستی و اجرایی بخش خصوصی در کشور، نسبت به بازگرداندن آن به مسیر رشد و ثبات اقدام نماید. توجه داشته باشیم که این مفهوم زمانی مطرح می‌شود که اقتصاد یک کشور با مشکلاتی مانند رکود،



نجات اقتصادی (Economic Rescue) به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاستی و اجرایی می‌تواند با مجموعه‌ای از اقدامات، سیاست‌ها و اصلاحات اقتصادی با هدف اصلی خروج کشور از بحران و بهره‌گیری از توان سیاستی و اجرایی بخش خصوصی در کشور، نسبت به بازگرداندن آن به مسیر رشد و ثبات اقدام نماید. توجه داشته باشیم که این مفهوم زمانی مطرح می‌شود که اقتصاد یک کشور با مشکلاتی مانند رکود، تورم شدید، بیکاری گسترده، کاهش تولید و وابستگی به منابع خارجی مواجه باشد.

شرح جدول شماره (۱) است.

توجه داشته باشیم که نجات اقتصادی یک فرایند پیچیده است که باید براساس شرایط خاص تعیین شود. برای این کار ابتدا باید وضعیت اقتصادی کشور تحلیل شده و نقاط ضعف و قوت آن شناسایی شود. در این مسیر ممکن است کارشناسان نظرات متفاوتی داشته باشند؛ مانند تمرکز بر افزایش صادرات یا تقویت داخلی. برای رسیدن به اجماع، لازم است داده‌های اقتصادی بررسی و تأثیرات بلندمدت هر سیاست سنجیده شود. لذا استراتژی نجات اقتصادی باید ترکیبی و انعطاف‌پذیر باشد؛ یعنی گام‌های اولیه مانند کنترل بحران‌های فوری، سپس تقویت صادرات و تولید داخلی به‌طور همزمان موردتوجه قرار گیرد. همچنین مشارکت بخش خصوصی، اقتصاددانان و نهادهای مستقل در تصمیم‌گیری و بازخوردگیری مداوم می‌تواند به

رسیدن به یک‌راه حل عملی کمک کند. در نهایت انعطاف‌پذیری و اجرای سیاست‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و دستیابی به رشد پایدار منجر شود. **از این رو و در کلام پایانی راهکارهای عملی برای نجات اقتصاد و خروج از بحران با کمک و نظارت مستقیم بخش خصوصی به شرح زیر تقدیم می‌شود:**

- ۱- کنترل تورم و ثبات پول ملی،
 - ۲- تقویت تولید داخلی و کاهش بر واردات،
 - ۳- جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی،
 - ۴- اصلاح ساختار مالی و کاهش بدهی‌های دولتی،
 - ۵- تقویت بخش خصوصی و ایجاد فضای کسب‌وکار رقابتی،
 - ۶- توسعه صادرات و ایجاد بازارهای جدید،
 - ۷- کاهش فساد اقتصادی و ارتقاء شفافیت،
 - ۸- کاهش فساد اقتصادی و ارتقاء شفافیت.
- به این ترتیب، بخش خصوصی نیز در احیای

اقتصاد نقشی مکمل و حیاتی دارد. این بخش با افزایش تولید، نوآوری و اشتغال می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند. بخش خصوصی مسئول ایجاد کسب‌وکارهای جدید، توسعه فناوری‌های نوین و افزایش بهره‌وری است که این امور می‌توانند منجر به بهبود شرایط بازار و کاهش بیکاری شوند. در کنار این، سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی به رشد صنایع داخلی و کاهش وابستگی به واردات کمک خواهد کرد؛ بنابراین هماهنگی و همکاری بین دولت و بخش خصوصی برای ایجاد یک محیط اقتصادی سالم و رقابتی، کلید خروج از بحران اقتصادی و رسیدن به رشد پایدار خواهد بود. **///**

منابع

<https://iranmoneywatch.com/blog/econom-ic-rescue/>

جدول شماره (۱) مهم‌ترین عوامل ایجادکننده بحران‌های اقتصادی

ردیف	عوامل ایجادکننده بحران‌های اقتصادی	نتایج عوامل بحران‌زا
۱	سیاست‌های مالی و پولی نامناسب	چاپ پول بدون پشتوانه، افزایش نقدینگی و مدیریت نادرست وجه
۲	بدهی‌های سنگین دولتی و کسری بودجه	افزایش بدهی و استقراض بیش‌ازحد
۳	کاهش تولید داخلی و وابستگی به واردات	کاهش اشتغال و خروج ارز از کشور
۴	تورم و کاهش ارزش پول ملی کشور	کاهش قدرت خرید و افزایش قیمت کالاها
۵	رکود اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری	افت تولید، افزایش بیکاری و کاهش تقاضا
۶	فساد اقتصادی و ضعف شفافیت مالی	رانندگی خوار، سوء مدیریت و کاهش اعتماد عمومی
۷	تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی خارجی	محدودیت در تجارت و کاهش درآمدهای ارزی
۸	بحران‌های جهانی و عوامل خارجی	رکود جهانی، کاهش قیمت نفت و جنگ‌های تجاری
۹	نوسانات شدید بازارهای مالی	سقوط بازار بورس و بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران
۱۰	عدم برنامه‌ریزی بلندمدت	تصمیمات اقتصادی کوتاه‌مدت و غیر کارشناسی